

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انواع دینداری جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز)

منصور حقیقتیان^۱، ابوطالب عزیزی^{۲*}، حمید محمودیان^۳

۱- دانشیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران

۲- دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز ایران

چکیده

در جامعه امروز نگاه نسل جوان به دین با نگاه نسل گذشته تغییرات اساسی کرده است. در این جامعه نسل جوان در جستجوی کسب جایگاه و هویت جدیدی است که خود به خود با ذهنیت و رویکردهای نسل‌های پیشین و بزرگسالان به چالش برمی‌خیزد. هر گونه تحولی در یک جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته، منجر به شکل‌گیری حرکت‌هایی در میان نسل جوان و نوجوان می‌گردد به طوری که می‌توان از فرهنگ خاص جوانان سخن به میان آورد. عوامل متعددی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در دینداری نقش داشته باشند که این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر متغیرهای اجتماعی بر دینداری جوانان در شهر شیراز می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش میدانی، تکنیک مورد استفاده تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه همراه با مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش تمامی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر شیراز است. نمونه آماری بر اساس فرمول‌های آماری ۶۰۰ نفر بودند که از طریق نمونه

گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردیدند. یافته‌های به دست آمده بر اساس مقیاس ۵ نمره ای نشان داد، میانگین میزان بعد اعتقادی دینداری (۳/۶۸)، میانگین بعد پیامدی (۳/۳۹)، میانگین بعد مناسکی (۳/۱۶)، میانگین بعد عاطفی (۳/۲۵) و میانگین بعد فکری (۳/۲۹) است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد، متغیرهای «رسانه‌های داخلی» با ضریب رگرسیونی ۰,۳۱ و متغیر «گرایش به هویت ملی» با ضریب رگرسیونی ۰,۲۳ به ترتیب بالاترین تاثیر رگرسیونی را روی متغیر دینداری داشته اند.

واژه‌های کلیدی: دین - دینداری - انسجام اجتماعی - هویت ملی - رسانه.

مقدمه و بیان مسأله

پدیده دینداری از موضوعات قابل توجهی است که اهمیت آن را از کثرت تلاش‌هایی می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر برای ساخت و به کارگیری سنجه‌های دینداری مصروف شده است. این تلاش‌ها از دل اقتضائات و ضرورت‌های قابل درکی بیرون آمده است که نمی‌توانست بدون پاسخ باقی بماند. ضرورت این مطالعات به طور عام برخاسته از نفوذ و اعتباری است که هنوز دین برای انسان و اجتماع دارد. دین اصل وحدت بخش و زمینه مشترکی را فراهم ساخته و به انسان اجازه می‌دهد تا با فائق آمدن بر تمایلات خودخواهانه شان و به خاطر عشق به همنوعان شان فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کنند. دین سنگ بنای سامان اجتماعی است و منبعی برای ارزشهای اجتماعی است و بر گزینشهای فردی و بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره تاثیر می‌گذارد و همچنین به عنوان تجلی روح جمعی و عامل همبستگی و یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود. در جوامع سنتی دین ساینی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و تجربیات مختلف افراد گسترانیده بود. به بیان دیگر، دین در این جوامع به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری عمل می‌کرد که نظم طبیعی و اجتماعی موجود را به نظامی کیهانی و مقدس مرتبط و از این طریق احساس «بودن در کاشانه» را در جهان هستی برای انسان فراهم می‌کرد. در چنین جامعه‌ای همه فرآیندهای نهادی و همه تجربیات افراد، نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند. یعنی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه، نهاد دین از منزلت بالایی برخوردار بود و قوانین و قواعد دینی جاری و ساری

بود. همچنین کنش‌های روزمره مردم به صورت مستقیم و غیر مستقیم نمادها و تعاریف دینی را تأیید می‌کرد و اگر هم افرادی بودند که در این تعاریف و نمادها تردید روا می‌داشتند معمولاً در حاشیه جامعه قرار داشتند و کمتر موفق می‌شدند توده‌های مردم را تحت تأثیر خود قرار دهند.

در جامعه امروز با گسترش تقسیم کار و تخصصی شدن امور و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست جهان‌های^۱ متعددی در جامعه شکل می‌گیرد. به بیان دیگر جامعه با چندگانه شدن زیست جهان‌ها مواجه می‌شود و وظیفه قدیمی دین مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. امروزه پدیده‌هایی همچون مهاجرت روستایی، ورود ابزار و وسایل ارتباط جمعی، آموزش و پرورش گسترده و غیره ارزش‌ها و روابط سنتی را مورد پرسش قرار داده و تغییراتی را در دینداری نسل جدید به وجود آورده‌اند و پژوهشگران ناگزیرند تا به بررسی عوامل مؤثر بر تغییر ارزشهای دینی نوجوانان از سویی و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر آن از سوی دیگر پردازند.

در جوامع در حال گذار دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود. دینداری در جامعه ایران هم از این تحول مستثنی نیست. این تغییرات نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و ...) دنبال می‌شود و مکان‌های تولید علم که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه برعهده دارد، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان دانش‌آموزان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند.

دین به عنوان یک نهاد اجتماعی با خصیصه فردی و اجتماعی، از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی پشتیبانی می‌کند و جهت‌دهنده و مظهر قدرت جامعه و انسان، بسترساز ارتباطات انسانی و موجب ثبات، استمرار و همبستگی جامعه است. از سوی دیگر دین ارزش‌ها را می‌آفریند و هنجارها را شکل می‌دهد به ارزشهای ثابت اخلاقی قداست می‌بخشد، زندگی انسان از آن معنی می‌گیرد و راهنمای مؤثری برای هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت است. دین کارکردهای مختلفی را برای جامعه و فرد به انجام می‌رساند. دین برای جامعه

معنایی از اجتماع و اجماع را به وجود می‌آورد و آن را تحکیم می‌بخشد. رفتارهای ضد اجتماعی را منع نموده و راه‌هایی را برای انسجام دوباره متخلفان پیشنهاد می‌کند.

اهمیت پژوهش‌های انجام شده در حوزه دین به ویژه در میان جوانان از آن روست که جامعه ما در مرحله گذار به مرحله صنعتی قرار دارد و از نوعی دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی افراد رنج می‌برد که این امر در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد، به ویژه جوانان، بی‌تأثیر نبوده است. از طرف دیگر، دین با جنبه‌های گوناگون زندگی مردم جامعه ما هم در آمیخته است و می‌توان تأثیر آن را در همه جوانب دید. این امر در ایران به ویژه در شهر شیراز قابل بررسی است. امروزه جوانان شیرازی از یک طرف تحت تأثیر فرهنگ دینی جامعه خود و مذهبی بودن شهر شیراز هستند، فرهنگی که مورد احترام خانواده‌ها و اجتماعات محلی است و از طرفی دیگر متأثر از نهادهای آموزشی، رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) و عناصر ساختی دنیای مدرن هستند و نسل جوان از برخی مشکلات اقتصادی و اجتماعی در رنج می‌باشند. بررسی تغییرات ایجاد شده در انواع دینداری می‌تواند موفقیتها و کاستی‌های برنامه‌های اجرا شده در حوزه مسائل دینی را به ما نشان دهد و بنابراین بررسی انواع دینداری جوانان به عنوان نسل آینده ساز کشور در ابعاد مختلف و عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن به عنوان مسأله‌ای اجتماعی مهم است.

واکاوی مفهومی و چارچوب نظری

«دین» در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. و در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰ ° ۱۹). به لحاظ واژه‌شناسی، دینداری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است؛ یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ

دارای مراتبی است و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. دوم به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه این دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دینداری مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند، بر این اساس، تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابر این دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار، با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد، خود را با یک منبع فیاض، که از نظر وی در دین متبلور است، هم ذات گرداند و بر این اساس، میزان و جهت همذات‌انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (گنجی و هلالی ستوده، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در این قسمت از مقاله به بررسی اجمالی نظریه‌های دین و دینداری در بین متفکرین اجتماعی می‌پردازیم.

آگوست کنت

از دیدگاه وی، جامعه به اعتقاد مذهبی مشترک نیاز دارد. دین اصل وحدت بخش جامعه است. اگر دین در جامعه وجود نداشته باشد اختلاف‌های فردی جامعه را از هم می‌پاشد. دین موجب می‌شود که انسان‌ها خود خواهی و تمایلات نفسانی خود را کنار بگذارند و همین موجب بقای جامعه است. به نظر کنت دین سنگ بنای سامان اجتماعی است و حتی برای مشروع ساختن فرمان‌های حکومت اجتناب‌ناپذیر است. هیچ قدرت دنیوی نیست که بدون پشتیبانی یک قدرت معنوی پایدار بماند. بنابراین هر حکومتی برای تقدیس و تنظیم رابطه فرماندهی و فرمانبری به یک دین نیاز دارد (نعمتی، ۱۳۸۵: ۱۷).

امیل دورکیم

دورکیم چنین استدلال کرد که باورهای مذهب مشترک و آیین‌های ملازم با آن چنان اهمیتی دارد که هر جامعه نیاز به یک مذهب یا نظامی از باورهایی دارد که بتواند نقش مذهب را ایفا نماید. جامعه‌شناسان نوین گفتار دورکیم را تکمیل کرده و کارکردهای اجتماعی متعددی برای مذهب تشخیص داده‌اند که به شرح زیر بیان می‌شود:

۱- همبستگی اجتماعی^۱: مذهب وسیله استحکام و دوام اجتماعی است. مذهب با به هم پیوستن پیروان خود به یکدیگر و انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک میان آن‌ها، وحدت اجتماع را تأمین می‌سازند (رابرتسون، ۱۳۷۷: ۳۳۶).

۲- دادن معنی به زندگی: مذهب نوعی اعتقاد به قضا و قدر ایجاد می‌کند که با آن به سؤال‌های همیشگی درباره وجود پاسخ معنی‌دار و نهایی می‌دهد. مردم در هر جا، این نیاز را احساس می‌کنند که از طریق این معنی‌های نهایی زندگی خود را تداوم بخشند و در اکثر جامعه‌ها، مذهب تقریباً این پاسخ‌ها را در انحصار خود دارد.

۳- کنترل اجتماعی^۲: ارزش‌ها و هنجارهای مهم اجتماعی، از قبیل آنچه که مربوط به زندگی انسان، رفتار جنسی و مالکیت می‌گردد، معمولاً نه فقط در قلمرو قانون بلکه همچنین در قلمرو مذهب نیز قرار می‌گیرد و مذهب از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم به کنترل اجتماعی فرد کمک مؤثر می‌کند.

۴- حمایت روانی: مذهب افراد را در دنیای ناامنی‌ها مورد حمایت عاطفی قرار می‌دهد و آن‌ها را در حوادث مهم زندگی یاری می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۳۷).

دورکیم معتقد است که «نقش وظیفه و مثبت دین» نه تنها در همبستگی اجتماعی و روابط اجتماعی غیرقابل انکار است، بلکه در حل و فصل و مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی و در معنویت که در جامعه بوجود می‌آید نیز سخت اهمیت دارد. به علاوه دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود (توسلی، ۱۳۸۰: ۵۹).

ماکس وبر

به مطالعه وسیعی درباره ادیان سراسر جهان پرداخت. یکی از کتاب‌های بسیار معروف او «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری» نام دارد. این کتاب اهمیت جهانی پیدا کرده است. وبر معتقد است که اخلاق پروتستانی موجب ایجاد روحیه کار و کوشش در اروپا شد، بلکه توسعه علوم و صنایع را بدنبال داشت (توسلی، ۱۳۸۰: ۶۳).

1 Social Correlation

2 Social Control

و بر به سرچشمه‌های ذهنیت مذهبی یا علت‌های باورداشت و رفتارهای مذهبی مستقیماً کاری نداشت. او به تبیین خود دین نمی‌پرداخت بلکه پیوندهای میان انواع گوناگون دین و گروه‌های خاص اجتماعی و تأثیر انواع دیدگاه‌های مذهبی بر جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی به ویژه، رفتارهای اقتصادی را دنبال می‌کرد (همیلتون، ۱۳۹۲: ۲۳۹). به نظر وبر، عقلانیت در قلمرو دین، به معنای حذف جنبه‌های جادویی و رفع تناقض‌ها و ابهام‌ها و راه حل‌های مسأله رستگاری است. به عقیده او این فراگرد عقلانیت ممکن است جهت‌های گوناگونی را در پیش گیرد. جهت‌هایی که این فراگرد در پیش می‌گیرد، تا اندازه‌ای بستگی به جایگاهی دارد که قشر حامل افکار مذهبی در جامعه به خود اختصاص می‌دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۵۴؛ ۲۳۹).

گرهارد لنسکی

لنسکی از نخستین افرادی است که الگوی دینداری خود را در قالب سنجش ابعاد و شاخص‌های دینداری در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارائه کرده است. لنسکی تفاوت میان اجتماع مذهبی و جمعیت سازمان یافته دینی را در جامعه معاصر بصورت تجربی شرح داد و میان دو نوع پایبندی به دین که اجتماعی و سازمانی است تمایز گذاشت. پایبندی اجتماعی بر تعامل گروه اولیه خانواده با دوستانی که در میراث فرهنگی و دینی مشترکی سهیم اند، مبتنی است، در حالی که پایبندی سازمانی به مشارکت فردی در فعالیت‌های دینی نهادینه شده یا سازمان یافته اشاره دارد (سراج زاده، ۱۳۸۵: ۶۰).

دین از نظر لنسکی عامل مؤثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی جوامع مدرن متأثر می‌کند. وی برای سنجش این تأثیرگذاری، مهمترین جنبه‌های دینداری، یعنی جهت‌گیری دینی و میزان درگیر بودن با گروه‌های دینی را مورد بررسی قرار داده است. لنسکی با استفاده از رویکردهای اجتماعی و شخصی، بیرونی و درونی، چهار بعد مختلف برای دینداری تعریف می‌کند. دو بعد از این ابعاد، با فعالیت‌های جمعی دینداری ارتباط دارند و به فعالیت‌های مشارکتی و نیز فعالیت‌های معاشرتی مشهور شده اند. دو بعد دیگر نیز با گرایش‌های گوناگون دینی در ارتباط اند که راست‌کیشی عبودیتی نامیده می‌شوند. بررسی‌های اولیه با تأکید بر اهتمام دینی در شهر دیترویت در سال ۱۹۵۸ نشان دادند که، بین دو فعالیت دینی مشارکتی و

معاشرتی و دو نوع جهت گیری راست کیش و عبودیتی رابطه بسیار کمی وجود دارد. وی با تأکید بر تحقیقات خود، معتقد است که این چهار بعد، کاملاً جدا و مستقل از هم هستند. لنسکی هر یک از ابعاد دینداری را اینگونه شرح میدهد: پایبندی معاشرتی مبتنی بر تعامل فرد با خانواده و دوستان و همکیشانی است که با او در دین و فرهنگ دینی سهیم هستند. در حالیکه، پایبندی مشارکتی به مشارکت فرد در انجام فعالیت‌های دینی، به خصوص به صورت جمعی اشاره دارد. به عقیده لنسکی، جهت گیری عبودیتی یعنی همان ارتباط شخصی انسان دیندار با خدا، که موجب می‌شود فرد در تصمیمات مهم خود به خواست خدا، به طور جدی توجه کند. به نظر وی دو بعد راست کیشی و عبودیتی فرد را به خود دین متصل می‌کند و ابعاد مشارکتی و معاشرتی، فرد را به گروه‌های دینی پیوند می‌زند (گنجی، ۱۳۸۳: ۶).

یواخیم واخ

جامعه شناس آلمانی یواخیم واخ نیز گونه شناسی ای بسیار شبیه گونه شناسی وبر دارد که البته از او وام گرفته است. به نظر واخ «مراسم یا نهادهایی وجود دارد که ترجیحاً یا انحصاراً گروهی را که به یک شغل، مرتبه یا پایگاه اجتماعی خاص تعلق دارند، وحدت می‌بخشد». واخ سه نوع شغل یا حرفه را در بسیاری از جوامع در توسعه دین مؤثر می‌داند: جنگجویی، بازرگانی و کشاورزی (واخ، ۱۳۸۷: ۲۵۰). واخ، دینداری هر یک از این سه گروه را بررسی می‌کند.

برگر و لاکمن

برگر در تعریف دین می‌نویسد «دین کوشش جسورانه ای است برای آنکه سراسر گیتی برای انسان معنیدار شود» (همیلتون، ۱۳۹۲: ۲۷۳). به عقیده وی دین نظم اجتماعی را مشروع می‌کند و مفاهیم دینی جهان را با یک رشته فرایندهای خاصی که به تعبیر برگر «ساختار موجه نمایی» را می‌سازند اعتبارشان را حفظ و تحکیم می‌کنند. اینها همان فرایندهایی هستند که عقاید مذهبی از طریق آن‌ها تقویت، ترویج، دفاعیات فرض می‌شوند. اگر این ساختار موجه نمایی تضعیف شود یا از بین برود، تسلط اعتقادات دینی بر اذهان انسانها به آسانی از دست

میرود (همیلتون، ۱۳۹۲: ۲۷۴). به عقیده برگر و لاکمن دنیای امروز، با پیدایش زیست جهان‌های متعدد (معانی فرعی متعدد) نقش دین رو به کاهش رفته و در حوزه دین، دنیاهای فرعی متعدد و رقیب هم، در دنیای جدید شکل گرفته اند. از جمله رسانه‌ها، شغل، تحصیلات، اقتصاد، سیاست و ... و این دنیاهای فرعی متعدد بر دینداری تأثیر گذارند و به کاهش اعمال مناسکی دینی انجامیده است. بنابراین تجربیات دینی افراد، تحت تأثیر نظام‌های معانی متفاوت و متضادی قرار می‌گیرند و دین نیز قادر به جای دادن همه این نظام‌های معنی جدید نخواهد بود. به زعم برگر و لاکمن، در هر جامعه‌ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوان به معانی، که قبلاً درون نهادهای مختلف جامعه به وجود آمده اند، در نظمی وسیع تر وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۲۹). آن‌ها این فرآیند را توجیه‌گری می‌نامند. توجیه‌گری می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد: از ساختار زبانی و واژگانی که در هر حوزه نهادی در جامعه شکل می‌گیرد تا ضرب‌المثل‌ها و پندهای اخلاقی و نظریه‌های صریحی که توسط صاحب‌ظران هر جامعه ای ارائه می‌شود. اما قلمروهای نمادی کلاسیک‌ترین سطح توجیه‌گری در هر جامعه ای محسوب می‌شوند. این قلمروها مجموعه ای از سنت‌هایی نظری هستند که حوزه‌های مختلف معنی را با هم یگانه می‌کنند و نظام نهادی جامعه را در کلیتی نمادی در رب می‌گیرند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

برگر اولین پیامد این وضعیت متکثر برای حوزه دین را خصوصی شدن آن می‌داند (برگر، ۱۳۸۱: ۸۷). وقتی فردی متوجه می‌شود ابراز کردن عقاید و باورهایش مورد تأیید دیگران قرار نمی‌گیرد و حتی ممکن است موجبات تمسخر یا کشمکش با دیگران را فراهم کند، اولین واکنش وی این خواهد بود که عقاید و باورهایش را در عرصه عمومی و اجتماع بروز ندهد. با افزایش تعداد افرادی که چنین رویکردی را در پیش می‌گیرند، دین گام به گام از عرصه عمومی جامعه رخت برمی‌بندد، یعنی نه تنها نمادها و تعاریف دینی از واقعیت در عرصه عمومی جامعه کمتر مطرح می‌شوند، بلکه اساساً در مورد آنها کمتر بحث میشود. این وضعیت به کاهش نفوذ دین در جامعه منجر می‌شود و در نهایت دین تسلط خود را بر جامعه از دست می‌دهد و عرصه عمومی تحت سیطره عقاید و ایدئولوژی‌های مدنی‌ای در می‌آید که فاقد محتوای دینی اند یا غالباً اشاره‌ای مبهم به دین دارند. در این وضعیت دین نه تنها دیگر قادر به

یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه نیست، بلکه از یکپارچه کردن تجربیات افراد، به ویژه آن دسته از افراد که در ارتباط با عرصه عمومی جامعه است باز میماند (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

گلاک و استارک

چارلز گلاک طی دو دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵، به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداری پرداخت. هدف اصلی آنها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا ابعاد - جلوه‌گر می‌شود.

آنها برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بُعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است (گنجی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در مقیاس ثانویه، شاخص‌ها در نهایت به هشت عدد افزایش یافته است که شاخص‌های ناظر به روابط اجتماعی دینداران هم به آن اضافه شده است. نظر به اینکه ابعاد دینداری مورد نظر گلاک و استارک با نام‌های مختلف، اما محتوای یکسان، مورد استفاده الگوهای بعدی قرار گرفته‌اند و هم اینکه عمده تأکید این نوشتار در بررسی ابعاد دینداری بر الگوی دینداری آنها استوار است، از این رو، تشریح هر یک از این ابعاد ضروری است (گلاک و استارک، ۱۹۷۰).

۱- بعد باور (اعتقادی): آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست، باورهای غایتگرا که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق

آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی گیرد. گلاک و استارک بُعد باور یا عقیدتی را بُعد ایدئولوژیکی هم نامیده‌اند.

۲- بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند. که همان عمل دینی است. این عمل خواه‌ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد. بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و... را دربرمی گیرد. گلاک و استارک در تشریح بُعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عملیاتی کردن این بُعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود (گلاک و استارک، ۱۹۷۰).

۳- بعد تجربی: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند، «مخلص» نامیده می‌شوند. در واقع تجربه «واقع‌های است که شخص خواه به عنوان عامل و خواه به عنوان ناظر، آن را تجربه کرده و نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند، یعنی شاخص متعلق به این تجربه یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد یا آن را موجودی می‌انگارد که به نحوی با خدا مربوط است و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارند، حقیقتی که توصیف‌ناپذیر است. گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند: تأییدی: حس مودت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا و وحیانی: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۲۵).

۴- بعد دانش: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بُعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و

استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می آموزند.

۵- بعد پیامدی: این بُعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این که، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش های بشر است. این بُعد، نقش چندانی در جهت گیری انسان ندارد، بلکه خود، تابع ساختارهای اجتماعی است. از نظر این دو محقق، «بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می توانند در معنای پیامدی سنجه ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می شود. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود. الگوی دینداری گلاک و استارک، از نخستین الگوهای است که بسیاری از الگوهای دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته اند. در ایران هم الگوی شناخته شده است که در برخی تحقیقات سنجش دینداری به عنوان چارچوب نظری مبنای مورد استفاده قرار گرفته است (گلاک و استارک، ۱۹۷۰).

یورگن هابرماس

هابرماس نقش جهان بینی دینی را این چنین بیان می کند: «نظام های دینی در اصل، وظیفه اخلاقی - عملی شکل دادن به هویت فردی و گروهی [...] را به تفسیری شناختاری از جهان پیوند می دهند.» وی با تزریق ایده ای مارکسیستی به تحلیل وبر از کارکرد دین در جامعه، مسأله متناقض نمای عدل الهی و وجود شرور را به نابرابری های اجتماعی تقلیل داده، وظیفه جهان بینی دینی را در «توجیه کردن توزیع نابرابر کالاهای حیاتی» محصور می کند. این در حالی است که مسأله عدل الهی و چالش آن با شرور شامل طیف وسیعی از موقعیت های دشوار زندگی می شود که به نوعی با رنج ها و آلام انسانی همراهند، خواه این مشکل ناشی از یک فاجعه طبیعی باشد، یا تبعیض اجتماعی، و یا هر منبع دیگری که اضطراب خاطر و نگرانی را برانگیزد (هابرماس، ۱۹۹۷: ۵۵-۳۸).

وقتی چنین وضعیت‌های رنج‌آوری در بستر اعتقاد به خدای قادر و عادل قرار می‌گیرد، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان این دو را با یکدیگر آشتی داد. هابرماس در قرائتی جدید، یا به قول خودش با بازسازی حرف‌های وبر، به کرات مرتکب خطای فروکاهشی شده است. اول آنکه کارکرد دین در جامعه مدرن را به یکی از آثار جانبی آن، یعنی خاصیت آرامش‌بخشی آن فرو کاسته، کارکرد اصلی آن را که هدایت رفتار انسانی است به فراموشی می‌سپارد. دوم آنکه رنج‌های انسانی را به نابرابری‌های اجتماعی، یا به عبارت دیگر، فقدان عدالت توزیعی تقلیل می‌دهد. این دیدگاه یک سونگر و تنگ‌نظرانه تا آنجا ادامه می‌یابد که عدالت را با برابری و ظلم را با نابرابری یکی می‌شمارد، هرچند این تفاوت‌ها ناشی از ظرفیت‌ها و عملکردهای متفاوت باشند. بر این اساس، هابرماس باید همان‌گونه که ژرژ دو شرایور پیشنهاد کرده است، به جای عدل الهی، از عدل انسانی سخن بگوید؛ زیرا در تفسیر او هیچ سخنی از خداوند به میان نمی‌آید (هابرماس، ۱۹۹۷: ۵۵-۳۸).

رونالد اینگلهارت

رونالد اینگلهارت در دهه هشتاد این ایده را مطرح کرد که در جوامع صنعتی مواجهه با نوعی دگرگونی ارزشی اساسی هستیم. به این صورت که گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. وی به تغییر و تحول ارزشی در طی فرآیند جایگزینی نسلی پرداخته است. به اعتقاد وی اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد. اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را عامل تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیعی از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، گرایش‌های هویتی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵).

فرآیند مدرنیزاسیون باعث انتقال عمیق نگرش‌ها، عقاید و رفتار که انتقال اجزای فرهنگی است، می‌شود. به عقیده اینگلهارت مدرنیزاسیون تحول فرهنگی بسیار وسیعی در فرهنگ معاصر غرب به وجود آورده است. همچنین وی معتقد است که خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها از جمله دینداری می‌شود (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳).

در نظریه اینگلهارت، مفهوم کانونی مدرنیزاسیون این است که صنعتی شدن مجموعه‌ای از نتایج اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد که موجب افزایش سطح تحصیلات و تغییر نقش‌های جنسی می‌گردد. صنعتی شدن بر اغلب عناصر دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد. این نظریه می‌گوید که صنعتی شدن پیامدهای مختلفی از جمله در حوزه فرهنگی داشته است. تغییر از جامعه ماقبل صنعتی به صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه آنان شده است. پیدایش جامعه فراصنعتی، محرک پیدایش و گسترش دیدگاه‌های جهانی می‌گردد. افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. بنابراین، پیدایش جامعه فراصنعتی منجر به افزایش و تأکید بیشتر بر خود ابرازی می‌گردد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۴).

چارچوب نظری

در پژوهش حاضر از نظریات مختلفی به عنوان مبنای نظری استفاده شده است. اما تعدادی از نظریات که مبنای استخراج فرضیات هستند چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

بر مبنای نظریه ی گلاک و استارک دینداری در پنج بعد اعتقادی، مناسکی پیامدی، تجربی و معرفتی مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر وبر ممکن است بین مذهب و رفتارهای اقتصادی تنش‌هایی صورت گیرد. تضاد با بهره و ربا، تشویق صدقه و محدود ساختن زندگی به حداقل نیازهای ضروری، مخالفت با داد و ستدی که خدا را خوش نمی‌آید. اما مهم‌تر از همه، تضاد پنهانی است که میان اصل نوع دوستی و عقلانی کردن اقتصاد نوین بر پایه بنگاه وجود دارد. اقتصاد نوین بر پایه بنگاه وجود دارد، و بدون مبارزه‌ای که نامش بازار است،

محاسبه عقلانی امکان ندارد. به طور کلی، حتی مفهوم سرمایه داری نیز با گرایش‌های زاهدانه و ریاضت‌گری ادیان رستگاری ناسازگار است و دلیلش این است که جستجوی سود، مؤمن را از زندگی معنوی منحرف می‌کند (فروند، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

به عقیده لنسکی دینداری بر اساس پایبندی معاشرتی مبتنی بر تعامل فرد با خانواده و دوستان و همکیشانی است که با او در دین و فرهنگ دینی سهیم هستند. در حالیکه، پایبندی مشارکتی به مشارکت فرد در انجام فعالیت‌های دینی، به خصوص به صورت جمعی اشاره دارد. به عقیده لنسکی، جهت‌گیری عبودیتی یعنی همان ارتباط شخصی انسان دیندار با خدا، که موجب می‌شود فرد در تصمیمات مهم خود به خواست خدا، به طور جدی توجه کند. به نظر وی دو بعد راست‌کیشی و عبودیتی فرد را به خود دین متصل می‌کند و ابعاد مشارکتی و معاشرتی، فرد را به گروه‌های دینی پیوند می‌زند (گنجی، ۱۳۸۳: ۶).

بنابراین از نظریه لنسکی این فرضیه استخراج می‌شود که بین دموکراتیک بودن روابط در خانواده و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد. به زعم برگر و لاکمن، در هر جامعه‌ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوان به معانی، که قبلاً درون نهادهای مختلف جامعه به وجود آمده‌اند، در نظمی وسیع‌تر وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۲۹). این دو معتقدند که رسانه‌ها، شغل، تحصیلات، اقتصاد، سیاست و ... و این دنیاها فرعی متعدد بر دینداری تأثیر گذارند و به کاهش اعمال مناسکی دینی انجامیده است.

بنابراین از دیدگاه برگر و لاکمن این فرضیه استخراج می‌شود که: بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

لاکمن معتقد است که سرمایه اجتماعی و انسانی به واسطه‌ی کیفیت و کمیت شبکه‌ای که افراد را پیوند می‌دهد، مشخص می‌شود. او استدلال می‌کند که کنش‌های یک شخص، به وسیله زمینه اجتماعی و نه به سادگی به وسیله منابع انسانی و مالی در دسترس آنها شکل می‌گیرد (اسچلی و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۷).

وی اعتقاد دارد که هیچ دلیلی وجود ندارد که به این باور دست یابیم که نظام‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند فقط بر تحصیل تأثیر می‌گذارند. این سیستم‌ها وقتی دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث ایجاد اجتماع و تعهدات پایدار می‌شود، باید در تزریق اهداف مذهبی، سیاسی، مدنی و یا خانوادگی نیز کارآمد باشند. بدین ترتیب سرمایه اجتماعی با ابعاد هم‌چون اعتماد و انسجام اجتماعی موجب بالا رفتن دینداری می‌شود (فاستن برگ، ۲۰۰۵: ۸۱۱). بنابراین از نظریه کلمن این فرضیه‌ها استخراج می‌شود:

بین انسجام اجتماعی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

بین اعتماد اجتماعی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

اینکهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را عامل تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند.

وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیعی از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، گرایش‌های هویتی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (اینکهارت، ۱۳۷۳: ۵). فرآیند مدرنیزاسیون باعث انتقال عمیق نگرش‌ها، عقاید و رفتار که انتقال اجزای فرهنگی است، می‌شود. به عقیده اینکهارت مدرنیزاسیون تحول فرهنگی بسیار وسیعی در فرهنگ معاصر غرب به وجود آورده است.

همچنین وی معتقد است که خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها از جمله دینداری منجر می‌شود (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳). بنابراین از نظریه اینکهارت این فرضیه استخراج می‌شود که بین گرایش به هویت ملی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک زمان واحد از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود. بنابراین روش تحقیق حاضر را باید روش پیمایش مقطعی دانست. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر شیراز است. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر شیراز ۴۵۰۰۰۰ نفر است و جمعیت جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال این شهر به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر ۴۵۰۰۰۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران به استخراج حجم نمونه پرداخته که نمونه ی پژوهش حاضر ۶۰۰ نفر است. سطح تحلیل در این تحقیق سطح خرد و همچنین واحد مشاهده نیز در تحقیق حاضر فرد است، زیرا پرسشنامه‌ها توسط افراد تکمیل شده است.

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین میزان اعتبار پرسشنامه از برخی شیوه‌ها یعنی انجام مقدماتی پژوهش برای تعیین مسائل و مشکلات احتمالی در سؤالات پژوهش، استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان برای یافتن اعتبار صوری سؤالات پرسشنامه استفاده شده است. از سوی دیگر، به منظور حصول میزان پایایی پرسشنامه از روش هم‌هنگی درونی گویه‌ها که با استفاده از روش آلفای کرونباخ صورت می‌گیرد استفاده می‌شود. بر اساس این روش هر قدر گویه‌های یک بعد، هم‌هنگی بیشتری داشته باشند ضریب آلفای کرونباخ افزایش می‌یابد. برای افزایش مقدار آلفا و در نتیجه افزایش پایایی مقیاس باید همه ی گویه‌های ناپایدار را حذف کرد. بدین منظور باید دید با حذف هر گویه معین مقدار آلفا چقدر می‌شود. در پژوهش حاضر نیز گویه‌هایی که موجب کاهش آلفا شدند حذف گردیدند تا اینکه پرسشنامه نهایی با ضریب آلفای بالا استخراج گردید.

جدول (۱) ضرایب آلفا کرونباخ بدست آمده برای متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

پرسشنامه نهایی		شاخص	متغیر
ضریب آلفا	تعداد گویه		
۰/۸۵۰	۵	انسجام درون خانواده	انسجام اجتماعی
۰/۷۹۳	۴	انسجام درون جامعه	
۰/۷۸۱	۴	اعتقادی	دینداری
۰/۸۰۱	۴	پیامدی	
۰/۸۰۳	۶	مناسکی	
۰/۸۲۵	۵	عاطفی	
۰/۸۱۶	۴	فکری	
۰/۸۲۰	۴	دیداری	رسانه‌های جمعی
۰/۵۲۸	۲	شنیداری	
۰/۸۵۰	۸	دموکراتیک	نوع تربیت
۰/۷۳۶	۴	استبدادی	
۰/۸۲۱	۴	هویت تاریخی	هویت ملی
۰/۷۸۰	۵	هویت سیاسی	
۰/۷۹۹	۶	هویت فرهنگی	

یافته‌ها

بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۲۲ سال (۳۰/۸۳) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۲ سال (۳۰/۸۳) می‌باشند. همچنین ۳۴ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند. داده‌های مربوط به متغیر جنسیت نشان داد که ۵۲/۶۶ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۷/۳۴ درصد دیگر رازن تشکیل داده‌اند. همچنین ۴۵/۳۳ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۵۴/۶۷ درصد دیگر را مجرد تشکیل داده‌اند.

نتایج متغیر سطح تحصیلات نشان داد که ۱۰/۸۳ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات زیر دیپلم، ۱۷/۳۳ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۲۵ درصد دارای سطح تحصیلات

کاردانی، ۳۲/۵۰ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی و ۱۴/۳۳ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند.

بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی (۴۱،۵۰ درصد) دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی سطح متوسط، (۳۲،۶۶ درصد) نیز دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و (۲۵،۵۲ درصد) نیز دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین هستند.

جهت نشان دادن میزان ابعاد پنجگانه دینداری از مقیاس پنج نمره‌ای بهره گرفته شد. میانگین کل دینداری از مقیاس ۱ تا ۵ است. بر اساس این مقیاس ۵ نمره‌ای، میانگین میزان بعد اعتقادی دینداری (۳/۶۸)، میانگین بعد پیامدی (۳/۳۹)، میانگین بعد مناسکی (۳/۱۶)، میانگین بعد عاطفی (۳/۲۵) و میانگین بعد فکری (۳/۲۹) است. بنابراین بیشتر پاسخگویان به میزان بالاتر از متوسطی از شاخص‌های مختلف دینداری برخوردارند. در این میان بعد اعتقادی دینداری با (۳/۶۸) دارای بیشترین میانگین و بعد مناسکی (۳/۱۶) دارای کمترین میانگین است. میانگین کلی دینداری نشان می‌دهد که سطح دینداری در میان پاسخگویان بالاتر از حد متوسط (۳/۳۵) است. جهت آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. فرضیه شماره ۱: بین انسجام اجتماعی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۲) ضریب همبستگی انسجام اجتماعی و انواع دینداری جوانان

دینداری						دینداری	
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی	ضریب همبستگی	انسجام اجتماعی
۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۳۲	معناداری	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	تعداد	
۶۰۰							

همانطور که در جدول شماره دو مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین دامنه‌ها که همگی کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین انسجام اجتماعی و انواع دینداری در شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین انسجام اجتماعی با انواع دینداری مثبت و مستقیم است. بدین صورت که با افزایش انسجام

اجتماعی ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند. در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد اعتقادی است با ۰/۳۲ (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد مناسکی است با ۰/۱۸ (شدت ضعیف) همچنین متغیر انسجام اجتماعی با بعد فکری ۰/۲۸ (شدت متوسط)، بعد پیامدی ۰/۲۶ (شدت متوسط) و بعد عاطفی ۰/۲۳ (شدت متوسط)، ارتباط دارد. پس با افزایش انسجام اجتماعی هریک از ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند.

در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین انسجام اجتماعی با میزان کل دینداری ارتباط مثبت، با شدت متوسط و جهت مستقیم (۰/۲۷) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان انسجام اجتماعی بالاتر باشد میزان دینداری افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ۱ شماره ۱ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۲: بین اعتماد اجتماعی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۳) ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی و انواع دینداری جوانان

دینداری						دینداری	
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی	اعتماد	
۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۳۵	۰/۳۶	ضریب همبستگی	اعتماد اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری	
۶۰۰						تعداد	

همانطور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین دامنه‌ها که همگی کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین اعتماد اجتماعی و انواع دینداری در شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین اعتماد اجتماعی با انواع دینداری مثبت و مستقیم است. بدین صورت که با افزایش اعتماد اجتماعی ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند.

در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد اعتقادی است با ۰/۳۶ (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد مناسکی است با ۰/۲۳ (شدت متوسط) همچنین متغیر اعتماد اجتماعی با بعد پیامدی ۰/۳۵ (شدت متوسط)، بعد فکری ۰/۳۲ (شدت متوسط) و بعد عاطفی ۰/۲۹ (شدت

متوسط)، ارتباط دارد. پس با افزایش اعتماد اجتماعی هریک از ابعاد مختلف دینداری با شدت متوسطی افزایش پیدا می‌کنند. در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی با میزان کل دینداری ارتباط مثبت، با شدت متوسط و جهت مستقیم (۰/۳۱) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر شود میزان دینداری افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ی شماره ۲ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۳: بین دموکراتیک بودن روابط در خانواده و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۴) ضریب همبستگی دموکراتیک بودن روابط در خانواده و انواع دینداری جوانان

دینداری						دینداری	
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی	دموکراتیک بودن خانواده	
۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۲۳	ضریب همبستگی	دموکراتیک بودن روابط
۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۷	۰,۰۰۱	معناداری	در خانواده
۶۰۰						تعداد	

همانطور که در جدول شماره چهار مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین دامنه‌ها که همگی به جز بعد پیامدی، کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین دموکراتیک بودن روابط در خانواده و انواع دینداری به غیر از متغیر بعد پیامدی در شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین دموکراتیک بودن روابط در خانواده با انواع دینداری مثبت و مستقیم است. بدین صورت که با افزایش دموکراتیک بودن روابط در خانواده ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند. تنها بین دموکراتیک بودن خانواده و بعد پیامدی دینداری ارتباط معناداری مشاهده نمی‌شود. در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد عاطفی است با ۰/۲۵ (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد فکری است با ۰/۱۷. (شدت ضعیف) همچنین متغیر دموکراتیک بودن روابط در خانواده با بعد اعتقادی ۰/۲۳ (شدت متوسط)، بعد مناسکی ۰/۱۸ (شدت ضعیف) ارتباط دارد. پس با افزایش

دموکراتیک بودن روابط در خانواده هر یک از ابعاد مختلف دینداری به جز پیامدی با شدت متوسطی افزایش پیدا می‌کنند. در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین دموکراتیک بودن روابط در خانواده با میزان کل دینداری ارتباط مثبت، با شدت ضعیف و جهت مستقیم (۰/۱۹) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان دموکراتیک بودن روابط در خانواده بیشتر شود میزان دینداری جوانان افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ی شماره ۳ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۴: بین گرایش به هویت ملی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۵) ضریب همبستگی گرایش به هویت ملی و انواع دینداری جوانان

دینداری						دینداری	
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی	گرایش به هویت ملی	
۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۳۸	ضریب همبستگی	گرایش به هویت ملی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری	
۶۰۰						تعداد	

همانطور که در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین دامنه‌ها که همگی کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین گرایش به هویت ملی و انواع دینداری در شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین گرایش به هویت ملی با انواع دینداری مثبت و مستقیم است. بدین صورت که با افزایش گرایش به هویت ملی ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند.

در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد اعتقادی است با ۰/۳۸ (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد فکری است با ۰/۲۳. (شدت متوسط) همچنین متغیر گرایش به هویت ملی با بعد مناسکی ۰/۳۳ (شدت متوسط)، بعد عاطفی ۰/۳۱ (شدت متوسط) و با بعد پیامدی ۰/۳۰ (شدت متوسط)، ارتباط دارد. پس با افزایش گرایش به هویت ملی هر یک از ابعاد مختلف دینداری با شدت متوسطی افزایش پیدا می‌کنند.

در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین گرایش به هویت ملی با میزان کل دینداری ارتباط مثبت، با شدت متوسط و جهت مستقیم (۰/۳۳) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان گرایش به هویت ملی در بین جوانان بیشتر شود میزان دینداری آنان افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ی شماره ۴ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۵: بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۶) ضریب همبستگی استفاده از رسانه‌های داخلی و انواع دینداری جوانان

دینداری						دینداری	استفاده از رسانه‌های داخلی
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی		
۰/۴۳	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۴۵	ضریب همبستگی	استفاده از
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری	رسانه‌های
۶۰۰						تعداد	داخلی

همانطور که در جدول شماره شش مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین دامنه‌ها که همگی کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین استفاده از رسانه‌های داخلی و انواع دینداری در شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین استفاده از رسانه‌های داخلی با انواع دینداری مثبت و مستقیم است. بدین صورت که با افزایش استفاده از رسانه‌های داخلی ابعاد مختلف دینداری افزایش پیدا می‌کنند.

در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد فکری است با ۰/۴۹ (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد مناسکی است با ۰/۳۸. (شدت متوسط) همچنین متغیر استفاده از رسانه‌های داخلی با بعد اعتقادی ۰/۴۵ (شدت متوسط)، بعد پیامدی ۰/۴۲ (شدت متوسط) و با بعد عاطفی ۰/۴۰ (شدت متوسط)، ارتباط دارد. پس با افزایش استفاده از رسانه‌های داخلی هر یک از ابعاد مختلف دینداری با شدت متوسطی افزایش پیدا می‌کنند.

در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین استفاده از رسانه‌های داخلی با میزان کل دینداری ارتباط مثبت، با شدت متوسط و جهت مستقیم (۰/۴۳) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان استفاده از رسانه‌های داخلی در بین جوانان بیشتر شود میزان دینداری آنان افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ۵ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۶: بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و انواع دینداری جوانان شهر شیراز ارتباط وجود دارد.

جدول (۷) ضریب همبستگی استفاده از رسانه‌های خارجی و انواع دینداری جوانان

دینداری						استفاده از رسانه‌های خارجی	ضریب همبستگی
کل	فکری	عاطفی	مناسکی	پیامدی	اعتقادی		
-۰/۲۴	-۰/۱۷	-۰/۱۹	-۰/۲۸	-۰/۲۳	-۰/۳۱	استفاده از	
۰,۰۰۱	۰,۰۸۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	رسانه‌های	
۶۰۰						تعداد	خارجی

همانطور که در جدول شماره هفت مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معناداری محاسبه شده بین ابعاد که همگی به جز بعد فکری، کوچکتر ۰,۰۵ است، لذا بین استفاده از رسانه‌های خارجی و انواع دینداری به غیر از متغیر بعد پیامدی در بین جوانان شهر شیراز ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن ضریب‌های بدست آمده همبستگی بین استفاده از رسانه‌های خارجی با انواع دینداری منفی و معکوس است. بدین صورت که با افزایش استفاده از رسانه‌های خارجی گرایش به ابعاد مختلف دینداری کاهش پیدا می‌کنند. تنها بین استفاده از رسانه‌های خارجی و بعد فکری دینداری ارتباط معناداری مشاهده نمی‌شود.

در این میان قویترین رابطه مربوط به بعد اعتقادی است با ۰/۳۱- (شدت متوسط) و کمترین رابطه با بعد عاطفی است با ۰/۱۹- (شدت ضعیف) همچنین متغیر استفاده از رسانه‌های خارجی با بعد پیامدی ۰/۲۸- (شدت متوسط)، بعد مناسکی ۰/۲۳- (شدت متوسط) ارتباط دارد. پس با افزایش استفاده از رسانه‌های خارجی هر یک از ابعاد مختلف دینداری به جز پیامدی با شدت متوسطی کاهش پیدا می‌کنند.

در نهایت نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین استفاده از رسانه‌های خارجی با میزان کل دینداری ارتباط منفی، با شدت متوسط و جهت معکوس (۰/۲۴-) وجود دارد. بدین ترتیب که هر چه میزان استفاده از رسانه‌های خارجی بیشتر شود میزان دینداری جوانان کاهش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه ی شماره ۶ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

تحلیل رگرسیون چندگانه، روش برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش بینی متغیر وابسته است. متغیرهای مستقل را متغیرهای پیش بین و متغیر وابسته را متغیر ملاک نیز می‌گویند. (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۲۷) رابطه چند متغیره بین متغیرهای مستقل با وابسته در جدول زیر آورده شده است. بررسی نتایج به دست آمده از جدول تجزیه واریانس (شماره ۸)، بیانگر آن است که معادله پیش بینی میزان دینداری، می‌تواند ۴۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی نماید که این رقم خروجی R^2 تعدیل شده ما است.

جدول (۸) تجزیه واریانس رگرسیون دینداری بر حسب متغیرهای مستقل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
رگرسیون	۲۴۴۳,۰۲	۶	۴۰۷,۱۷	۱۴۸,۰۶۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۷۰۲,۲۱	۵۹۳	۲,۷۵		
کل	۴۱۴۵,۲۳	۵۹۹			
			$R_{Adjusted}=۰/۴۲$	$R^2=۰/۴۲۲$	$R=۰/۶۵$

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۹، آورده شده است. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که تاثیر هر شش متغیر مستقل بر دینداری معنادار است زیرا سطح معناداری (sig) آنها کوچکتر از ۰,۰۵ است. متغیرهای «رسانه‌های داخلی» با ضریب رگرسیونی ۰,۳۱ و متغیر «گرایش به هویت ملی» با ضریب رگرسیونی ۰,۲۳ به ترتیب بالاترین تاثیر رگرسیونی را روی متغیر دینداری داشته‌اند. به عنوان مثال، در مورد متغیر «رسانه‌های داخلی»، نتیجه را می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر «رسانه‌های داخلی» میزان دینداری به میزان ۰,۳۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

جدول (۹) متغیرها در معادله رگرسیون

همبستگی مرتبه صفر ^۱	سطح معناداری	آماره t	بنای استاندارد شده	
-	۰,۰۰۰	۱۲,۳	-	Constant
۰,۶۰	۰,۰۰۰	۵,۷	۰,۲۳	هویت ملی
۰,۶۵	۰,۰۰۰	۹,۱	۰,۳۱	رسانه داخلی
۰,۵۹	۰,۰۰۰	۴	۰,۲۰	اعتماد اجتماعی
۰,۵۹	۰,۰۰۰	۳,۵	۰,۱۶	انسجام اجتماعی
۰,۳۷	۰,۰۰۰	۳,۲	۰,۱۲	نوع روابط
۰,۳۹	۰,۰۰۰	۳,۶	۰,۱۴	رسانه خارجی

بحث و نتیجه گیری

فارغ از نتایج جزئی که از آزمون فرضیات و تحلیل رگرسیون به دست آمد، دینداری جوانان، یکی از مهمترین متغیرهای اجتماعی است که دائماً باید مورد بررسی و رصد قرار گیرد تا هر گونه تغییر در این عرصه، مورد توجه کارشناسان واقع گردد. نتایج به دست آمده در این پژوهش از لحاظ تئوریک تایید کننده تئوری‌های مورد استفاده است. مشاهده رابطه معنادار بین هویت ملی و دینداری تایید کننده نظریه اینگلهارت مبنی بر تاثیر مدرنیزاسیون بر فرهنگ و عناصر فرهنگی و به تبع آن بر دینداری است، همچنین وجود رابطه معنادار بین نوع روابط و سطح دینداری تایید کننده تئوری لنسکی است. رسانه‌ها امروزه ابزاری قدرتمند در جهت دهی و ایجاد گرایش‌های جدید فکری به سطح جامعه است، به خصوص در حوزه رفتارهای دینی، نتایج به دست آمده از تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون تایید کننده تئوری‌های اینگلهارت، برگر و لاکمن (به زعم آنان، در هر جامعه ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوان به معانی، که قبلاً درون نهادهای مختلف جامعه به وجود آمده اند، در نظامی وسیع تر وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند. این دو معتقدند که رسانه‌ها بر دینداری تأثیر می‌گذارند و به کاهش اعمال مناسکی دینی انجامیده است). نتایج معنادار به دست آمده از رابطه انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با ابعاد مختلف دینداری تاکید مجددی

1 Zero order correlation

بر تئوری سرمایه اجتماعی کلمن (وی اعتقاد دارد نظام‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث ایجاد اجتماع و تعهدات پایدار می‌شود، باید در تزریق اهداف مذهبی، سیاسی، مدنی و یا خانوادگی نیز کارآمد باشند. بدین ترتیب سرمایه اجتماعی با ابعادی همچون اعتماد و انسجام اجتماعی موجب بالا رفتن دینداری می‌شود) است. تمامی متغیرهای مستقل این پژوهش در حدود چهل و دو درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمودند، بدین معنی که ما بقی تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهایی انجام می‌پذیرد که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته نشده است و لازم است در پژوهش‌های بعدی مورد توجه و بررسی قرار گیرند. شاید با کمی احتیاط بتوان مدعی شد، سطح دینداری با توجه به ابعاد پنجگانه آن از محدود متغیرهای تاثیر گذاری است که بر تمامی ارکان جامعه تاثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد. همانطور که نتایج به دست آمده نشان داد، تقویت تعلق خاطر به هویت ملی، انسجام و اعتماد اجتماعی، نوع روابط در خانواده و استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی از جمله متغیرهای تاثیر گذار در این حوزه است که می‌بایستی مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران اجتماعی در این عرصه باشد.

منابع

- ۱- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنندج. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره اول، زمستان.
- ۲- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، " تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی "، ترجمه، مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- ۳- برگر، پیتر و لاکمن، تامس. (۱۳۷۵). (مترجم. فریبرز محمدی). تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- برگر، پیتر (۱۳۸۱). (مترجم. محمد ساوجی). تهران: نشر نی.
- ۵- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان امیر کبیر. نامه جامعه‌شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۴. زمستان.
- ۶- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دینی. تهران: نشر سخن.

- ۷- خالقی فر، مجید (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی/ فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، عوامل موثر بر آن و روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- رابرتسون، رونالد (۱۳۷۷). «جهانی شدن، نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی»، ترجمه، کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ۹- سراج‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۵). چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامع‌شناختی در دینداری و سکولار شدن). تهران: طرح نو.
- ۱۰- گنجی، محمد و هلالی ستوده، مینا. (۱۳۹۰). رابطه‌گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان). جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۲.
- ۱۱- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- ۱۲- مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۸۵). رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو. رسانه. شماره ۱.
- ۱۳- نعمتی، سکینه. (۱۳۸۵). فلسفه پوزیتویسم و قانون سه مرحله ای آگوست کنت در بوت‌نقد. روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۸، ۲۴ مرداد.
- ۱۴- واخ، یواخیم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه، جمشید آزادگان، تهران: سمت.
- ۱۵- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تیان.
- ۱۶- یوسفی نریمان (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- 17- Furstenberg. F. F. (2005) Banking on Families Generate and Distribute social capital Journal of marriage and Family, 67: 809 ° 821.
- 18- Glock C. and R.Stark (1970). Religion and Society in Tension, US, Rand McNally & Company.
- 19- Habermas, Jurgen, (1997). "Modernity: An Unfinished Project," in Habermas and the Unfinished Project of Modernity: Classical Essays on The Philosophical Discourse of Modernity, ed. Maurizio Passerin d'Entrves and Seyla Benhabib (Cambridge, Mass.: The MIT Press), pp. 38-55.
- 20- Schlee, M., Bethanne, Mullis. Ann. K, Shriner Michael. (2009), Parents Social and resource capital: predictors of academic achievement during early childhood. Childer and youth services Review, 31, 227 ° 234.